

شهید عبدالحسین ابراهیمی تنها



غلامحسین	نام پدر
۱۳۴۵/۰۲/۰۹	تاریخ تولد
بوشهر - دیر	محل تولد
۱۳۶۵/۱۰/۰۴	تاریخ شهادت
ام الرصاص	محل شهادت
مسئول تیم اطلاعات	مسئولیت
پاسدار	نوع عضویت
پاسدار	شغل
سوم راهنمایی	تحصیلات
دیر	مدفن

زندگینامه

پاسدار شهید عبدالحسین ابراهیمی تنها در سال ۱۳۴۵ در روستای جبرانی از توابع شهرستان دیر دیده به جهان گشود. ارادت خانواده به سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) باعث شد که نام او را عبدالحسین نهند. پدرش صیاد ساده دل و کم بضاعتی بود که به سختی روزگار را می گذراند. کودک خردسالی بیش نبود که قرآن را فراگرفت و با صدای زیبا و لحن دلنشینی تلاوت می کرد. انس او با کلام خدا باعث شد که از برخورد خوبی با آشنایان برخوردار باشد و صله ی رحم در سر لوحه کارهایش باشد.

دوره ابتدایی را با موفقیت پشت سر گذاشت. در راهپیمایی های انقلاب اسلامی در دیر شرکت می ركد و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در کسوت پاسدار به نهاد انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست.

حضور او در صحنه های نبرد حق علیه باطل نشان دهنده عمق اعتقاد او به اسلام و امام می باشد. شهید در طی دوران دفاع مقدس در ۱۰ نوبت در جبهه ها به عنوان فرمانده دسته اطلاعات و عملیات حضور داشت و با خلوص نیست در خدمت لشکر اسلام بود.

سرانجام در آخرین مرحله اعزام به جبهه، در زمستان ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ شرکت نمود که در تاریخ ۱۷/۴/۱۳۶۵ در منطقه جزیره ام الرصاص مفقود الاثر گردید تا اینکه پیکر مطهرش در تاریخ ۱۷/۴/۱۳۷۶ با شکوه خاصی بر دستان مردم بندر دیر تشییع شد و در کنار همزمان شهیدش در جنت الشهداء دیر به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

و قاتلوا هم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله

به نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان، با درود و سلام فراوان به خاتمانبیا، حضرت محمد (ص)، و جانشینان بر حق او و با سلام و درود فراوان بر مهدی منتظر و نائب بر حقش، خمینی عزیز و با درود و سلام فراوان بر شهیدان و مفقودین و اسیران و جانبازان.

این جانب عبدالحسین ابراهیمی تنها تاریخ تولد ۱۳۴۵ فرزند غلامحسین وصیت نامه خود را شروع می کنم:

خداوندا به من توانایی بده تا بتوانم دینم را ادا کنم و فردای قیامت پیششهیدان شرمند نباشم.

خدایا تو خود می دانی که هیچ هدفی جز خدمت به اسلام ندارم و خودت این خدمت را از بنده بپذیر.

ای برادران و خواهران! شما که بر سر مزار آمدید، امیدوارم خداوند به شما اجر عظیم دهد و وصیتی دارم برای شما که دنباله رو امام بزرگوار باشید و مبدا غفلت کنید. قدر امام عزیز را بدانید. او بود که ملت ایران را از سیاه چالها بیرون آورد و به اینجا رسانید که ملت، شهید پرور شده است.

وصیتی دارم برای برادران جوان: ای برادران! راه شهیدان را ادامه دهید و نگذارید که اسلحه اینها بر زمین افتاده باشد و قاتلان شهیدان هم زنده باشند و شما هم ای برادران! اگر می خواهید خون برادران به هدر نرود زود برخیزید و بروید به خیل سپاهیان اسلام بیوندید.

مادر: مبدا جلوی برادرانم را بگیری و مانع از رفتن آن ها به جبهه شوی. اگر صبر پیشه کنی روز قیامت پیش حضرت فاطمه روسفید خواهی ماند.

پدرم، ای میوه قلبم، مرا حلال کن. اجرت با خداوند بزرگ.

پدر و مادر، برادرانم و خواهران! مرا چه سعادت است که انسان در این را برود.

همسرم تو شریک زندگیم بودی. هر بدی از من دیدی حلال کن و دخترم را با حجاب و زینبی بزرگ کن و خیلی مراقب باش. ای همسایگان و خویشاوندان هر بدی از من دیدید مرا حلال کنید.

در آخر اگر جسد من به دستتان رسید مرا در شاهزاده ابوالقاسم کنار دیگر شهیدان به خاک بسپارید. اجر همگی آن ها که در تشییع جنازه و هفتم و چهارم شرکت کردند با خداوند بزرگ و متعال.

در آخر از برادران پاسدار و همکاران می خواهم که هر بدی از بنده دیدند مرا حلال کنند.

یک ماه روزه نگرفته ام اگر می توانید آن را بپذیرید و یک نذر دارم که دخترم را به زیارت مشهد ببرید.

برادر شما: عبدالحسین ابراهیمی تنها



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران